سُوْرَةُ النِّسَاءِ

سوره نساء مدنی است وآن یك صد وهفتاد وهفت آیت و بیست وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمُ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ
وَّاحِدَةٍ وَّخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيْرًا
وَّنِسَآءً ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْ تَسَآءَلُوْنَ بِهٖ وَالْاَرْحَامَ ؕ
اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيْبًا (١)

ای مردمان به ترسید ازآن پروردگار خویش که بیافرید شمارا ازیك کس و آفریدازآن یك کس زن اورا ومنتشر ساخت ازین دوکس مردمانِ بسیار و زنان بیشمار و بترسید ازآن خدا که ازیکدیگر به نام اوسوال می کنید و بترسید ازقطع خویشاوندی هر آئینه خدا هست نگاهبان برشما (١) .

وَاٰتُوا الْيَتٰمٰۤى اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيْثَ بِالطَّيِّبِ ۪
وَلَا تَاْكُلُوْۤا اَمْوَالَهُمْ اِلٰۤى اَمْوَالِكُمْ ؕ اِنَّهٗ كَانَ
حُوْبًا كَبِيْرًا (٢)

و بدهید به یتیمان اموال ایشان را وبدل نکنید ناپاك را به پاکیزه ومخورید اموال ایشان را بهم آورده باموال خویش هر آئینه این گناهی بزرگ ست[1] (٢) .

وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِي الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوْا
مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَآءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ
وَرُبٰعَ ۚ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاحِدَةً
اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ؕ ذٰلِكَ اَدْنٰۤى اَلَّا تَعُوْلُوْا (٣)

و اگر ترسیدید که عدل نتوانید کرد درحق دخترانِ یتیمه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا ازسائر زنان دودو، وسه سه، و چهار چهار، پس اگر دانیدکه درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس نکاح کنید یك زن رایاسریه گیرید آنراکه مالك اوشد دستهای شما این نزدیك تراست بآنکه جورنکنید (٣) .

وَاٰتُوا النِّسَآءَ صَدُقٰتِهِنَّ نِحْلَةً ؕ فَاِنْ طِبْنَ لَكُمْ

وبدهید زنان را مهرایشان بخوشدلی و

---

(١) درجاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند (پسران عمو) ایشان را بنکاح خود درمی‌آوردند وایفای حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیت فرستاد .

عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيٓـًٔا مَّرِيٓـًٔا ﴿٤﴾

اگر زنان در گذرندبخوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر پس بخورید آن راساز گار وخوشگوار (٤) .

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٥﴾

ومدهید بی خردان را اموال خود که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شماوبخورانید وبه پوشانید ایشان را ازآن اموال وبگوئید بایشان سخن نیکو[1] (٥) .

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا ۚ وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۖ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾

وامتحان کنید یتیمان را[2] تاآنگاه که رسند به حدنکاح[3] پس اگر دریافتید ازایشان حسن تدبیر پس برسانید بایشان اموال ایشان را ومخورید آن اموال را[4] باسراف وشتاب ازترس آنکه بزرگ شوند وهرکه باشد توانگر پس بایدکه پرهیزگاری کند[5] وهر که فقیر باشد پس بایدکه بخورد بوجه پسندیده پس چون رسانید بایشان اموال ایشان را گواه گیرید برایشان وبس است بحقیقت خدا حساب گیرنده (٦) .

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

مردان را حصه هست ازآنچه بگذارند پدرومادر وخویشان وزنان را نیز حصه

---

(۱) یعنی برسفهاحِجربايد كردواموال ایشان که بحقیقت همه مسلمانان بآن منتفع اندبی واسطه یا بواسطه بدست ایشان داده ضائع نه باید ساخت والله اعلم .

(۲) یعنی درایام کودکی .

(۳) یعنی بالغ شوند .

(٤) یعنی درخردسالی ایشان .

(٥) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشدازاموال یتیم چیزی نگیرد .

وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدٰنِ وَالْأَقْرَبُونَ
مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۝٧

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى
وَالْمَسٰكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ
قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۝٨

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً
ضِعٰفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللّٰهَ
وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝٩

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوٰلَ الْيَتٰمٰى ظُلْمًا إِنَّمَا
يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۝١٠

يُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِي أَوْلٰدِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ
نِسَآءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وٰحِدَةً فَلَهَا
النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وٰحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن

هست ازآنچه بگذارند پدرو مادروخویشان ازآنچه کم باشدازمال یابسیار حصه مقررکرده شده[۱] (۷) .

وچون حاضر شوند هنگام قسمت میراث خویشان[۲] ویتیمان و گدایان پس بدهیدایشانرا چیزی ازآن[۳] وبگوئید بایشان سخن نیکو (۸) .

وبایدکه بترسند ازخداآنانکه اگر بگذارند بعد از خود اولاد ناتوان را خائف باشند برایشان که ضائع شوند پس بایدکه ازخدا بترسند وبایدکه بگویند سخن استوار[٤] (۹)

هر آئینه آنانکه میخورند اموال یتیمان را به ظلم جزاین نیست که میخورند درشکم خویش آتش را وبزودی درآیند به دوزخ (۱۰) .

حکم می کندشماراخدا درحق اولادشما که مرد راهست مانند حصه دوزن اگر اولاد میت همه دختر باشند بیشتر ازدو نفر پس ایشان راست دوسوم آنچه

---

(۱) یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارندازهر مال که باشد کم بودیابسیار درین ردّ است براهل جاهلیت که زنان راحصه نمی دادند .

(۲) یعنی خویشان غیر وارث .

(۳) یعنی بطریق استحباب .

(٤) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند بوجهی وصیت کنند که اولاد راضرر نرسدواین درشرع بمقدار یك سوم مال یاکمتر ازآن است والله اعلم .

كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُ وَلَدٌ وَّوَرِثَهُ أَبَوٰهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ
فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

میت گذاشته است[١] واگر ذریتش یك دخترباشد پس اوراست نیم ترکه وهست پدرومادر میت راهریکی راازایشان یك ششم آنچه بگذاشته است اگر باشدمیت را فرزندی، پس اگر نباشداورافرزندی ووارث اوپدرو مادراوشوند پس هست مادرش رایك سوم ترکه[٢] پس اگر باشند میت رابرادران هست مادرش رایك ششم ترکه[٣] واین تقسیم بعد از ادای وصیتی است که میت بآن فرموده یابعد از ادای دَین[٤] پدران شماو پسران شما نمید انید که کدام یك ازایشان نزدیك تراست به شما درنفع رسانیدن حصه معین کرده شدازجانب خداهر آئینه هست خدادانای استوارکار (١١).

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ
كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَّمْ يَكُنْ
لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ
مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ

وشماراهست نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگرنباشدایشان را فرزندی پس اگر ایشان را فرزندی باشدشمارااست یك چهارم آنچه بگذاشته اند بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشند یا بعد از ادای دَین وزنان را ست یك چهارم آنچه

---

(١) مترجم گوید حکم دو دخترنیزثلثان است والله اعلم.
(٢) یعنی مابقی برای پدراست.
(٣) یعنی برادران و خواهران حصه مادررا ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابندویك برادر ویك خواهر ناقص سازد و الله اعلم.
(٤) یعنی اگر وصیت باشدنخست ادای وصیت کنندو اگر دین باشد نخست ادای دین کنند.

يُورَثُ كَلٰلَةً اَوِامْرَاَةٌ وَّلَهٗۤ اَخٌ اَوْ اُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ ۚ فَاِنْ كَانُوْۤا اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِى الثُّلُثِ مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصٰى بِهَاۤ اَوْ دَيْنٍ ۙ غَيْرَ مُضَآرٍّ ۚ وَصِيَّةً مِّنَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَلِيْمٌ ﴿۱۲﴾

شمابگذاشتید اگر نه باشد شمارا فرزندی پس اگر باشد شمارا فرزندی پس زنان را ست یك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشید یا ادای دَین واگر مرد مرده که ازوی میراث می خواهندیا زن مرده کلاله باشد[۱] واورا برادری هست یاخواهری[۲] پس هریك ازایشان راست یك ششم ترکه پس اگراخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم شریك اندرد یك سوم ترکه بعد ازادای وصیتی که بآن فرموده شده یابعد از ادای دَین بغیرآنکه ضرررساننده باشد[۳] حکم کرده شده است ازجانب خداوخدا دانای بُردباراست (۱۲) .

تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ ؕ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿۱۳﴾

این همه حدهامقررکردۀ خداست وهر که فرمانبرداری کند خدا ورسول او را در آردش به بهشت هائی که میرود زیرآن جوی ها جاویدان در آن و این ست پیروزی بزرگ (۱۳) .

وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَتَعَدَّ حُدُوْدَهٗ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيْهَا ۪ وَلَهٗ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿۱۴﴾

وهرکه نافرمانی کند خدا و رسول اورا وتجاوزکنداز حدهای مقررکردۀ اودرآردش بآتش جاوید ان درآن و اوراست عذاب رسواکننده (۱٤) .

وَالّٰتِىْ يَاْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَآئِكُمْ

آنانیکه زنامی کننداززنان شما پس گواه

---

(۱) ومعنی کلاله آن ست که پدروفرزند وبرادروخواهرتنی ندارد .
(۲) یعنی اخیافی .
(۳) یعنی وصیتی که زیاده ازثلث بود اعتبار ندارد و الله اعلم .

فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ ۖ فَإِن
شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ
يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾

طلبید برایشان چهارمرد ازجنس خویش(۱) پس اگر گواهی دادند محبوس کنید ایشان را درخانه ها تاآنکه عمر ایشان را تمام کند مرگ یا مقررکند خدای تعالی برای ایشان راهی(۲) (۱۵) .

وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنكُمْ فَآذُوهُمَا ۖ فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا
فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾

وآن دوکس که زنا می کنندازشماپس آزار دهید ایشان را پس اگر توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند پس اعراض کنید ازتعذیب ایشان هر آئینه خدا هست توبه پذیر مهربان(۳) (١٦) .

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ
ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧﴾

جزاین نیست که وعده قبول توبه لازم برخداست برای آن کسان که میکنند معصیت را به نادانی بعد ازآن توبه کنند بزودی(٤) پس آن گروه است که خداوند توبه وبازگشت آنان رامی پذیرد وهست خدا دانای استوارکار (۱۷) .

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ
إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ
وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۚ أُولَٰئِكَ
أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٨﴾

ونیست وعده قبول توبه آن کسان را که می کنندمعاصی تاآنگاه که پیش آیدکسی را ازایشان مرگ، گفت هر آئینه من توبه کردم الحال ونه آن کسان را ست که کافر بمیرند این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده (۱۸) .

---

(۱) یعنی از مسلمانان .

(۲) بعد این آیت خدای تعالی راهی مقررکردو آن رجم ثیب وجلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم .

(۳) این آیت مجمل است ودراحادیث آمده است که بِکر آزاد را صدتازیانه، بایدزد و ثیّب آزاد را سنگسار باید کرد وغلام راپنجاه تازیانه بایدزد والله اعلم .

(٤) یعنی پیش ازحضور مرگ .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَرِثُوا النِّسَآءَ كَرْهًا ؕ وَلَا
تَعْضُلُوْهُنَّ لِتَذْهَبُوْا بِبَعْضِ مَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ اِلَّآ اَنْ يَّاْتِيْنَ
بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَعَاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ۚ فَاِنْ كَرِهْتُمُوْهُنَّ
فَعَسٰٓى اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْـًٔا وَّيَجْعَلَ اللّٰهُ فِيْهِ خَيْرًا كَثِيْرًا ﴿١٩﴾

ای مومنان حلال نیست شمارا آنکه میراث گیریدزنان را وایشان ناخوش باشند[١] ومنع مکنید ایشان را[٢] تابدست آرید بعض آنچه داده اید ایشان را مگراینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و زندگانی کنید بازنان بوجه پسندیده زیرا که اگر ناپسندکنید ایشان را پس شاید که ناپسند کنید چیزی راوپیدا کند خدای تعالی درآن چیز خیربسیار (١٩) .

وَاِنْ اَرَدْتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ ۙ وَّاٰتَيْتُمْ اِحْدٰىهُنَّ
قِنْطَارًا فَلَا تَاْخُذُوْا مِنْهُ شَيْـًٔا ؕ اَتَاْخُذُوْنَهٗ بُهْتَانًا
وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٢٠﴾

وا گر بخواهید تبدیل کردن زنی بجای زنی وداده باشید یکی راازایشان قنطاری[٣] پس بازمگیرید ازآن مال چیزی را آیامی گیرید آن رابه ستم وتعدی آشکار (٢٠) .

وَكَيْفَ تَاْخُذُوْنَهٗ وَقَدْ اَفْضٰى بَعْضُكُمْ اِلٰى بَعْضٍ وَّاَخَذْنَ مِنْكُمْ
مِّيْثَاقًا غَلِيْظًا ﴿٢١﴾

وچگونه می‌گیریدآن را حال آنکه رسیده است بعض شمابه بعضی[٤] و گرفتند زنان ازشما عهد محکم را[٥] (٢١) .

وَلَا تَنْكِحُوْا مَا نَكَحَ اٰبَآؤُكُمْ مِّنَ النِّسَآءِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ؕ
اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَّمَقْتًا ؕ وَسَآءَ سَبِيْلًا ﴿٢٢﴾

ونکاح مکنید کسی را که نکاح کرده باشند با او پدران شما اززنان مگر آنچه گذشت (عفواست) هر آئینه این هست کاربدو مبغوض واین بدراهی است (٢٢).

---

(١) اهل جاهلیت زنان را نیزازجملهٔ میراث می دانستند ولی میّت ا گر می‌خواست بجبردر (نکاح خود) می آورد وا گر می‌خواست منع میکردکه بااجنبی نکاح کند تاآنکه حق تعالی این آیت فرستاد .

(٢) یعنی ازنکاح بهرکه خواهند .

(٣) یعنی مال بسیار درمهرداده باشید .

(٤) یعنی مباشرت کردید .

(٥) یعنی ایجاب وقبول بحضور شهود درمیان آمد .

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهٰتُكُمْ وَبَنٰتُكُمْ وَأَخَوٰتُكُمْ وَعَمّٰتُكُمْ وَخٰلٰتُكُمْ
وَبَنٰتُ الْأَخِ وَبَنٰتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهٰتُكُمُ الّٰتِيٓ أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوٰتُكُمْ
مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبَآئِبُكُمُ الّٰتِي فِي حُجُورِكُمْ
مِّنْ نِّسَآئِكُمُ الّٰتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَآئِلُ أَبْنَآئِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ
وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللّٰهَ
كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾

حرام کرده شدند برشما مادران شما ودختران شماوخواهران شما و خواهران پدران شما وخواهران مادران شما ودختران برادر ودختران خواهرو آن مادران شماکه شیر داده اند شمارا[1] وخواهران شما ازجهت شیرخوارگی ومادران زنان شما ودختران زنان شما که درکنار شما پرورش می یابند ازبطن آن زنان که شما وطئ کردید بایشان پس اگروطئ نکرده باشید بایشان پس هیچ گناه نیست برشما وزنان پسران شما که ازپشت شماباشند[2] وحرام کرده شد آنکه جمع کنید میان دوخواهر مگر آنچه گذشت (عفواست) هر آئینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان (٢٣) .

وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ النِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتٰبَ
اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَآءَ ذٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ
مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسٰفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرٰضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ
الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾

وحرام کرده شدند زنان شوهردار مگر آنچه مالك اوشده است دست های شما[3] لازم ساخته است خدا برشماو حلال کرده شد شمارا ماسوای این همه محرمات (حلال کرده شد) که طلب نکاح کنید باموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی[4] پس کسی که استمتاع کردید باوی اززنان بدهید ایشان را مهر

(١) یعنی دایه ها .

(٢) یعنی پسرخوانده نه باشد .

(٣) یعنی اگرزنی رااز دارالحرب اسیرکرده اند نکاح وتَسرّی اوصحیح بُودهرچندآنجازوج داشته باشد والله اعلم .

(٤) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهرباشدومؤبدباشدبحسب ظاهر زیراکه چون حاجت جماع همیشه است واحصان بدون عقدمؤبّدحاصل نشودوالله اعلم .

ایشان که مقرر کرده شده[١] ونیست برشما گناهی در آنچه بایکدیگرراضی شدید بعداز مهرمقرر[٢] هر آئینه خدا هست دانای استوارکار (٢٤) .

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا اَنْ يَّنْكِحَ الْمُحْصَنٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ
فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيٰتِكُمُ الْمُؤْمِنٰتِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ
بِاِيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوْهُنَّ بِاِذْنِ
اَهْلِهِنَّ وَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ مُحْصَنٰتٍ غَيْرَ مُسٰفِحٰتٍ
وَّلَا مُتَّخِذٰتِ اَخْدَانٍ فَاِذَآ اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ
فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنٰتِ مِنَ الْعَذَابِ ذٰلِكَ
لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَاَنْ تَصْبِرُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ
وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٥﴾

وهركه نتواند ازشما ازجهت توانگری که نکاح کندزنانِ آزاد مسلمان را پس بایدکه نکاح کند ازآنچه مالك اوشده است دست شما (مراد کنیزکان شما اندکه مسلمان باشند) و خدا داناتراست بایمان شمابعض شماازجنس بعض است[٣] پس نکاح کنید کنیزکان را باجازهٔ اهل ایشان وبدهید ایشان را مهر ایشان بخوش خوئی درحالیکه عفیفه باشند نه زناکننده نه دوست پنهانی گیرنده[٤] پس چون درحبالهٔ زوج آمدند اگر زناکنند پس برایشان است نیم مقدار آنچه برزنان آزاداست ازعقوبت[٥] نکاح کنیزکان کسی راست که بترسد ازگناه ازشما وآنکه صبر کنید بهتر است شمارا خدا آمرزندهٔ مهربان است (٢٥) .

---

(١) یعنی بجماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم .

(٢) یعنی بعد مقررکردن اگر بتراضی زیاده یاکم کنید باك نیست والله اعلم .

(٣) یعنی کنیزکان نیزبنات آدم اندوالله اعلم .

(٤) فارق درنکاح واتخاذ اخدان شرط شهوداست ودراحصان وسفاح مؤبد بودن عقدبحسب ظاهر والله اعلم .

(٥) یعنی پنجاه تازیانه واگردر حباله زوج نباشدنیز عقوبت اوپنجاه تازیانه است زیراکه ذکر این قید بجهت نفی احتمال زیاده است واین معنی درحدیث مبین شده والله اعلم .

يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ
وَيَتُوْبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٦﴾

می خواهد خدا که بیان کند برای شما وبنماید شمارا راه های کسانیکه پیش ازشمابودندوبرحمت بازگرددبرشما وخدادانای استوار کاراست (٢٦) .

وَاللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَيُرِيْدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهَوٰتِ
اَنْ تَمِيْلُوْا مَيْلًا عَظِيْمًا ﴿٢٧﴾

وخدا می‌خواهد که برحمت بازگردد برشما ومی خواهند آنانکه پیروی شهوات می کنند که کجروی کنید کجروی عظیم (٢٧) .

يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّخَفِّفَ عَنْكُمْ ۚ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيْفًا ﴿٢٨﴾

می خواهد خداکه سبك کند ازشما وانسان ضعیف آفریده شده است (٢٨) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْۤا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ
اِلَّاۤ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ ۗ وَلَا تَقْتُلُوْۤا اَنْفُسَكُمْ ؕ
اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ﴿٢٩﴾

ای مؤمنان مخورید اموال خودرا درمیان خویش بناحق[1] مگر اینکه آن دادستد تجارت باشدبعدرضامندی یکدیگر ازشما و مَکُشید خویشتن را هر آئینه خدا هست به شمامهربان (٢٩) .

وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا وَّظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيْهِ نَارًا ؕ وَكَانَ
ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ﴿٣٠﴾

وهرکه چنین کند به تعدی وستم پس بزودی درآریمش به دوزخ واین برخدا آسان است (٣٠) .

اِنْ تَجْتَنِبُوْا كَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ
وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا كَرِيْمًا ﴿٣١﴾

اگراحتراز کنید ازکبائر منهیات نابود سازیم ازشما صغائر شمارا ودرآریم شمارا بمحل گرامی[2] (٣١) .

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ ؕ لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ

وآرزوی مکنید مرتبه ای را که خداوند به آن برتری داده بعضی را از شمابربعضی

---

(١) یعنی مال یك دیگر بناحق نباید خورد .

(٢) گناه کبیره آنست که برآن حدمشروع شده یا وعده دوزخ کرده آمده یابکفرمُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه وهرکه از کبائر اجتناب کند صغائر اورا نمازوروزه وصدقه نابودمی سازد والله اعلم .

مِّمَّا اكْتَسَبُوْا ۗ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيْبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ ۗ وَسْـَٔلُوا اللّٰهَ
مِنْ فَضْلِهٖ ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٣٢﴾

مردان را هست بهره ازآنچه حاصل کرده اند وزنان راهست بهره ازآنچه حاصل کرده اند وبطلبید ازدرگاه خدا ازبخشائش اوهر آئینه خداهست بهمه چیزدانا (٣٢) .

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدٰنِ وَالْاَقْرَبُوْنَ ۗ وَالَّذِيْنَ
عَقَدَتْ اَيْمَانُكُمْ فَاٰتُوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدًا ﴿٣٣﴾

ومقررکردیم وارثان برای هر چیزی ازآنچه گذ اشته اند پدرومادروخویشان وکسانیکه ایشان را مربوط ساخته است عهدهای شماپس بدهید ایشان را بهرهٔ ایشان هر آئینه خدا هست برهمه چیزحاضر[١] (٣٣) .

اَلرِّجَالُ قَوّٰمُوْنَ عَلَى النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلٰى
بَعْضٍ وَّبِمَآ اَنْفَقُوْا مِنْ اَمْوَالِهِمْ ۗ فَالصّٰلِحٰتُ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ
لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ ۗ وَالّٰتِيْ تَخَافُوْنَ نُشُوْزَهُنَّ فَعِظُوْهُنَّ
وَاهْجُرُوْهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوْهُنَّ ۚ فَاِنْ اَطَعْنَكُمْ
فَلَا تَبْغُوْا عَلَيْهِنَّ سَبِيْلًا ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيْرًا ﴿٣٤﴾

مردانِ تدبیر کارکننده تسلط دارند برزنان به سبب آنکه فضل نهاده است خدا بعض آدمیان را بر بعضی[٢] وبسبب آنکه خرج کردند ازاموال خویش پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، نگاهدارنده اند[٣] درغیبت زوج به نگاه داشت خدا[٤] وآن زنان که میترسید ازنافرمانی ایشان پس پنددهید ایشان را وترك کنید ایشانرا درخواب گاه[٥] وبزنید ایشان را پس ا گر فرمانبرداری شماکردند پس جستجو

---

(١) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند وایشانرا درمیراث دخل نیست ومیراث برای اقربا مقرر کرده شده است والله اعلم .

(٢) یعنی بسبب آنکه مردان دراصل جبلت برترانداززنان .

(٣) یعنی مال و آبرورا .

(٤) دراین آیت بیان فرمودکه مردفرمان روا است بسبب فضل جبلی و بسبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند وحفظ مال ـ وآبرو ـ نماید والله اعلم .

(٥) یعنی مباشرت مکنید .

مکنید برایشان را هی را[1] هر آئینه خداهست بلند مرتبهٔ بزرگ قدر (٣٤) .

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ
وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾

وا گرترسیدید (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهر پس بر گزینید صلاح کاری ازخویشان مرد وصلاح کاری ازخویشان زن ا گر این صلاح کاران بخواهند صلح را البته موافقت آردخدا درمیان ایشان هر آئینه هست خدا دانای آ گاه (٣٥) .

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ
مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾

و بپرستید خدارا وشریك او مقررمکنید چیزی را وبه پدرو مادر نیکوکاری کنید وبخویشان ویتیمان و گدایان وهمسایهٔ خویشاوند و همسایه اجنبی وبه هم نشین برپهلو نشسته وبه مسافر وبآنچه دست شما مالك اوشد[2] هر آئینه خدادوست ندارد کسی راکه باشد متکبر خود ستاینده (٣٦) .

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ
مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٣٧﴾

کسانیکه آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وامی‌دارند ومی پوشند آنچه خدا داده است ایشان را ازفضل خود و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسواکننده (٣٧) .

وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ
لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٨﴾

وآنان راکه خرج می کننداموال خودرا برای نمودن مردمان ومعتقدنیستند بخدا ونه بروزقیامت وهرکه شیطان یار اوباشد

---

(١) یعنی به حیله ایذادادن تجسس مکنیدوالله اعلم .

(٢) یعنی غلامان و کنیزکان .

پس وی بدیاری است (۳۸) .

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا
رَزَقَهُمُ اللَّهُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾

وچه زیان بود برایشان اگر ایمان می‌آوردند بخدا و روز آخر وخرج می‌کردند ازآنچه خداداده است ایشان را وهست خدا بایشان دانا (۳۹) .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا
وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾

وهر آئینه خدا ستم نمی کند وزنِ ذرّه ای و اگر آن عمل نیکی باشد چندبرابر کُنَدَش وبدهد ازنزد خود مزدِ بزرگ (٤٠) .

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ
عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾

پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم ازهر قومی گواهی را وبیاریم ترا گواه براین امت (٤١) .

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ
بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ﴿٤٢﴾

آنروز آرزو کنند آنانکه کافرشدند ونافرمانی پیغامبر کردند کاش برایشان زمین هموار کرده شود[1] وپنهان نکنند ازخداهیچ سخنی را (٤٢) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَىٰ
حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ
حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا ۚ وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ
أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا
مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ
وَأَيْدِيكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾

ای مومنان به نماز نزدیك مشوید حال آنکه شما مست باشید تاآنکه به فهمید آنچه بزبان می گوئید[2] وبه نماز نزدیك مشوید درحال جنابت تاآنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید واگر بیمارباشید یا مسافر یابیاید کسی ازشما ازجای قضاء حاجت یا مباشرت زنان کنید ونیابید آب را پس قصد کنید به زمین پاك پس مسح کنید برویهای خویش ودست های خویش هر آئینه هست خداعفوکنندهٔ بخشاینده (٤٣) .

---

(۱) یعنی ازایشان نامی ونشانی نماند .

(۲) این حکم قبل ازتحریم خمر بود بعد ازان مستی بالکلیه حرام شد والله اعلم .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يَشْتَرُونَ
الضَّلٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

آیاندیدی[1] کسانیکه داده شده اند بهره ای ازکتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را ومی خواهند که شما گم کنید راه را (٤٤).

وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَآئِكُمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا وَكَفٰى
بِاللّٰهِ نَصِيرًا ﴿٤٥﴾

وخدا داناتراست به دشمنان شما وخدا دوست بس است و خدایاری دهنده بس است (٤٥).

مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ
وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَّرَاعِنَا
لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ
وَلٰكِن لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٤٦﴾

از یهود گروهی هستند که تغییرمی دهند کلمه هارا ازجای آن ها ومی گویند[2] شنیدیم ونافرمانی کردیم ومی گویند «اسمع غیر مسمع وراعنا» می پیچانند سخن را بزبان خویش وطعنه می زنندردین واگر ایشان می گفتند شنیدیم وفرمانبرداری کردیم و بجای «اسمع غیر مسمع» اسمع می گفتند وبجای «راعنا» انظرنا هر آئینه بهترمی بود ایشان را و درست تر ولیکن لعنت کرده است ایشان را خدابسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگراندکی[3] (٤٦).

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ اٰمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا
مَعَكُم مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلٰٓى أَدْبَارِهَآ

ای اهل کتاب ایمان آرید بآنچه فرودآوردیم، باور کنندهٔ آنچه باشماست

---

(١) مترجم گوید که خدای عزوجل در ردّیهود و تعدادقبائح ایشان آیات فرستاد.
(٢) یعنی بزبان حال.
(٣) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سَب راچنان درکلام خلط کنند که کسی نشناسد «واسمع غیر مسمع» دومعنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم ومحترمی و کسی باتوخلاف رضای تونتواند گفت دیگرآنکه بشنودر حالتی که محقری وکسی باتوسخن نمی گوید وراعنانیزدومعنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما رادیگراحمق رعونت دارنده غرض ایشان سَب بود کلمهٔ محتمل معنیین می گفتند والله اعلم.

اَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّآ اَصْحٰبَ السَّبْتِ ۚ وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ﴿٤٧﴾

پیش ازآنکه محوکنیم صورت هایی را پس
بگردانیمش برشکل پشت سَر یالعنت
کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل
شنبه را وهست ارادۀ خدا شدنی (٤٧) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ
يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدِ افْتَرٰٓى اِثْمًا عَظِيْمًا ﴿٤٨﴾

هر آئینه خدا نمی آمرزد که اورا شریك
مقرر کرده شود ومی آمرزد غیر از آن
هرکرا خواهد وهر که به خدا شرك ورزد
هر آئینه افترابسته است گناهی بزرگ را
. (٤٨)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُزَكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۚ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ
يَّشَآءُ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٤٩﴾

آیا ندیدی بسوی کسانیکه ستائش می‌کنند
خودرا بلکه خدا ستائش می کند
هرکراخواهد و ستم کرده نخواهند شد
مقدار رشته ای (٤٩) .

اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ ۚ وَكَفٰى بِهٖٓ
اِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٥٠﴾

به بین چگونه می بندند برخدادروغ را
واین‌گناه آشکار او را بس است[1] (٥٠) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُوْنَ
بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْتِ وَيَقُوْلُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰٓؤُلَآءِ
اَهْدٰى مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا سَبِيْلًا ﴿٥١﴾

آیاندیدی بسوی کسانیکه بهره ازکتاب
داده شدند ایمان می‌آورند به بت و معبود
باطل ومی گویند درحق مشرکان که ایشان
راه یابنده تراند از مسلمانان[2] (٥١) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ ۚ وَمَنْ يَّلْعَنِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ
لَهٗ نَصِيْرًا ﴿٥٢﴾

ایشان آن گروه اند که لعنت کرد خدا
ایشان را وهرکه لعنت کندش خدا پس
نخواهی یافت مراو را یاری دهنده (٥٢) .

اَمْ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَاِذًا لَّا يُؤْتُوْنَ النَّاسَ

آیا ایشان راهست بهره ای ازپادشاهی پس

---

(١) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزید گان خدایند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روز .

(٢) درین آیت تعریض است بآن که یهود روزاحزاب مددگار مشرکان شدند .

نَقِيْرًا ﴿٥٣﴾

آن هنگام ندهند بمردمان مقدار نقیری[1] (٥٣) .

اَمْ يَحْسُدُوْنَ النَّاسَ عَلٰى مَآ اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ
فَقَدْ اٰتَيْنَآ اٰلَ اِبْرٰهِيْمَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ
وَاٰتَيْنٰهُمْ مُّلْكًا عَظِيْمًا ﴿٥٤﴾

آیاحسدمی کنند برمردمان بر آنچه ایشان را داده است خدای تعالی ازفضل خود پس هر آئینه مادادیم آل ابراهیم را کتاب ودانش ودادیم ایشان را پادشاهی بزرگ (٥٤) .

فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ ۚ وَكَفٰى بِجَهَنَّمَ
سَعِيْرًا ﴿٥٥﴾

پس ازکفار کسی هست که ایمان آوردبآن کتاب و ازایشان کسی هست که باز داشت ازوی و کفایت ست دوزخ آتش افروخته (٥٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيْهِمْ نَارًا ۚ كُلَّمَا نَضِجَتْ
جُلُوْدُهُمْ بَدَّلْنٰهُمْ جُلُوْدًا غَيْرَهَا لِيَذُوْقُوا الْعَذَابَ ۚ
اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿٥٦﴾

هر آئینه کسانی که کافر شدند بآیاتِ ما زود درآریم ایشان را بآتش هرگاه که پخته گرددپوستهای ایشان بعوض پیداکنیم برای ایشان پوستهای دیگر غیرازآن تابچشند عذاب را هر آئینه خدا هست غالبِ استوارکار (٥٦) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ
تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۚ لَهُمْ فِيْهَآ اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۚ
وَّنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيْلًا ﴿٥٧﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند زود درآریم ایشان را به بوستانهائی‌که میرود زیرآن جوی ها جاویدان آنجاهمیشه، ایشان راست آن جا زنانِ پاك کرده شده و درآریم ایشان را بسایه نیك (یعنی راحت تمام) (٥٧) .

اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰٓى اَهْلِهَا ۙ وَاِذَا حَكَمْتُمْ
بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهٖ ۚ اِنَّ
اللّٰهَ كَانَ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ﴿٥٨﴾

هر آئینه خدا می فرماید شمارا که اداکنید امانت هارا به اهل آن ومیفرماید که براستی حکم کنید چون حاکم شوید میان

(١) نقیرغلاف نازکی است که برپشت خسته خرمامی باشد .

مردمان هر آئینه نیکو چیز یست آنچه
خدابآن پندمیدهد شمارا هر آئینه
خداهست شنوای بینا(۱) (۵۸) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي
ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ
وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ
ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ﴿٥٩﴾

ای مومنان فرمانبرداری کنید خدارا و
فرمانبرداری کنید پیغامبررا وفرمان
روایان راازجنس خویش پس اگر
اختلاف کنید در چیزی پس برگردانید
اورا بسوی خداو پیغامبر اگر اعتقاد
دارید بخدا وروز آخرت این بهتراست
ونیکوتر باعتبار عاقبت(۲) (۵۹) .

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ
وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ
وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن
يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا ﴿٦٠﴾

آیاندیدی بسوی کسانیکه گمان می کنند
که ایمان آوردند بآنچه بسوی تونازل
کرده شده است وبآنچه پیش ازتونازل
کرده شد، می خواهند که قضایای خویش
رفع کنند بسوی سرکش وحالانکه
فرموده شد ایشان را که منکر وی شوند
و شیطان می خواهد که گمراه سازد
ایشان راگمراهی دور (۶۰) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ
رَأَيۡتَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودٗا ﴿٦١﴾

وچون گفته شود بایشان بیائید بسوی آنچه
نازل کرده است خدا و بسوی پیغامبر
می‌بینی منافقان را بازمی ایستند

---

(۱) درین آیت اشاره است بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه ازدست وی گرفتند ومردمان آن رااز حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طلب کردند آنحضرت قبول نموده بعثمان ردفرمود .

(۲) مردم ضعیف الایمان درخلاف هوای نفس بحکم شرع راضی نمی شدند و گاهی بکاهنان و رئیسان کفر رجوع می کردند چون آنحضرت ایشان را براین معنی تعزیر یاتهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نیست خدای تعالی درین باره آیات فرستاد .

ازتوباعراض (٦١) .

فَكَيْفَ إِذَآ أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان پس هرگاه بیایندنزد توقسم می خورند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری وموافقت کردن را[1] (٦٢) .

أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللّٰهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِيٓ أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾

این گروه آنانندکه می داندخدا آنچه دردل های ایشان است پس اعراض کن ازایشان[2] وپندده ایشان راوبگوبایشان سخنی مؤثر در دلهای ایشان (٦٣) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾

ونه فرستادیم هیچ پیغامبری را مگر برای آنکه اطاعت کرده شود بحکم خدا واگر این جماعت وقتیکه ستم کردند برخویشتن می‌آمدندنزد تو پس آمرزش طلب می کردند ازخداو طلب آمرزش کرد برای ایشان پیغمبر هر آئینه می یافتند خدارا توبه پذیر مهربان (٦٤) .

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتّٰى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

پس قسم به پروردگار توکه ایشان مسلمان نه باشند تاآنکه حاکم کنند ترادراختلافی که واقع شد میان ایشان بازنیابند در دلهای خویش تنگی ازآنچه حکم فرمودی وقبول کنند بانقیاد (٦٥) .

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوٓا أَنفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا

واگرمامی نوشتیم[3] برایشان که بکشیدخویشتن را یا بیرون شوید ازخانه های

---

(١) یعنی مردمان خصوم .

(٢) یعنی ازقتل ایشان .

(٣) یعنی واجب میکردیم .

مِنْ دِيَارِكُمْ مَّا فَعَلُوْهُ اِلَّا قَلِيْلٌ مِّنْهُمْ ؕ وَلَوْ اَنَّهُمْ فَعَلُوْا مَا يُوْعَظُوْنَ بِهٖ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَشَدَّ تَثْبِيْتًا ﴿۶۶﴾

خویش نمی کردند این کار را مگر اندکی ازایشان وا گر می کردند آنچه بآن پندداده می شدند هر آئینه بهتر بودی ایشان را و محکم تردر استواری دین (٦٦).

وَّاِذًا لَّاٰتَيْنٰهُمْ مِّنْ لَّدُنَّاۤ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿۶۷﴾

وآنگاه البته می دادیم ایشان را ازنزد خویش مزدبزرگ (٦٧) .

وَّلَهَدَيْنٰهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿۶۸﴾

وهدایت می کردیم ایشان را براه راست (٦٨) .

وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصّٰلِحِيْنَ ۚ وَحَسُنَ اُولٰٓئِكَ رَفِيْقًا ﴿۶۹﴾

وهرکه فرمان برد خداو رسول را پس این جماعت همراه آن کسانند که انعام کرده است خدابر ایشان ازپیغمبران وصدّیقان وشهیدان وصالحان وچه خوبند آنهاازجهت رفاقت (٦٩) .

ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ عَلِيْمًا ﴿۷۰﴾

این بخشائش ازخدااست وبس ست خدا دانا[1] (٧٠) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا خُذُوْا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوْا ثُبَاتٍ اَوِ انْفِرُوْا جَمِيْعًا ﴿۷۱﴾

ای مسلمانان برگیرید سلاح خودرا پس بیرون روید گروه گروه شده یابیرون روید همه باهم (٧١) .

وَاِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيُبَطِّئَنَّ ۚ فَاِنْ اَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةٌ قَالَ قَدْ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيَّ اِذْ لَمْ اَكُنْ مَّعَهُمْ شَهِيْدًا ﴿۷۲﴾

و هر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ می کند پس ا گر برسد به شمامصیبتی بگوید انعام کرد خدا برمن چون نبودم حاضر بایشان (٧٢) .

وَلَئِنْ اَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللّٰهِ لَيَقُوْلَنَّ كَاَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهٗ مَوَدَّةٌ يّٰلَيْتَنِيْ كُنْتُ مَعَهُمْ

وا گر به رسد به شمانعمتی از خدا البته بگوید گویاهرگز نبودمیان شما ومیان

(١) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام دراول اسلام که جهادفرض نشده بود دعوت اسلام قبول نمودندو چون جهاد فرض شداازآن تقاعد کردند وازبعضی کلمات منافقانه سربر می زدو بعضی بامخالفین همزبان شده خلاف رضای آنحضرت رای مي دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد .

فَأَفُوزَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧٣

وی دوستی کاش می‌بودم باایشان پس می‌یافتم مطلب بزرگ را (۷۳) .

فَلۡيُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يَشۡرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا
بِٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَن يُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقۡتَلۡ
أَوۡ يَغۡلِبۡ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمًا ٧٤

پس باید که جنگ کنند درراه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیارا بآخرت وهرکه جنگ کند درراه خدا پس کشته شودیاغالب آید بدهیمش مزدبزرگ را (۷٤) .

وَمَا لَكُمۡ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ
مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ
رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهۡلُهَا
وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا وَٱجۡعَل لَّنَا
مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ٧٥

و چیست شمارا که جنگ نمی کنید درراه خدا وبرای بیچارگان از مردان وزنان وکودکان[1] آنانکه می گویند ای پروردگار مابیرون آرمارا ازین دِه که ستمگاراند اهل آن ومقررکن برای ما از نزد خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزد خودیاری دهنده (۷۵) .

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓاْ أَوۡلِيَآءَ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ
إِنَّ كَيۡدَ ٱلشَّيۡطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا ٧٦

مومنان می‌جنگند درراه خدا وکافران می جنگند درراه معبود باطل پس جنگ کنید بادوستانِ شیطان هر آئینه حیلهٔ شیطان سست است (۷٦) .

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمۡ كُفُّوٓاْ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ
يَخۡشَوۡنَ ٱلنَّاسَ كَخَشۡيَةِ ٱللَّهِ أَوۡ أَشَدَّ خَشۡيَةٗۚ وَقَالُواْ رَبَّنَا لِمَ

آیاندیدی بسوی کسانیکه گفته شد ایشان را بازدارید دستهای خود را[2] وبرپاکنید نماز را وبدهید زکوٰة را[3] پس چون نوشته شد برایشان جنگ ناگاه گروهی ازایشان می ترسند ازمردمان مانند ترسیدن از خدا یابیشتر و گفتند ای

(۱) یعنی گرفتاران بدست کفار .
(۲) یعنی جنگ مکنید .
(۳) یعنی پس قبول کردند .

كُتِبَتْ عَلَيْنَا الْقِتَالَۚ لَوْلَآ اَخَّرْتَنَآ اِلٰٓى اَجَلٍ قَرِيْبٍۗ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيْلٌۚ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقٰى وَلَا تُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٧٧﴾

پروردگار ماچرانوشتی برماکارزار چرازنده نگذاشتی مارا تاوقتی نزدیك بگوبهره مندی دنیا اندك است وآخرت بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدارِ رشته ای (۷۷) .

اَيْنَ مَا تَكُوْنُوْا يُدْرِكْكُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِيْ بُرُوْجٍ مُّشَيَّدَةٍۗ وَاِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَّقُوْلُوْا هٰذِهٖ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِۚ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَّقُوْلُوْا هٰذِهٖ مِنْ عِنْدِكَۗ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِۗ فَمَالِ هٰٓؤُلَآءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُوْنَ يَفْقَهُوْنَ حَدِيْثًا ﴿٧٨﴾

هر جاکه باشید دریابد شمارا مرگ واگرچه باشید درمحل های محکم واگر برسد بایشان نعمتی گویند این از نزد خداست واگر برسد بایشان شدّتی (یعنی سختی)گویند یامحمد این ازنزد تست بگوهمه ازنزد خدا است پس چه حال است این قوم را نزدیك نیستند که بفهمند سخنی را (۷۸) .

مَآ اَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِۚ وَمَآ اَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَّفْسِكَۗ وَاَرْسَلْنٰكَ لِلنَّاسِ رَسُوْلًاۗ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿٧٩﴾

آنچه رسید به تو ازنعمت پس ازخداست وآنچه رسید به تو از محنت پس ازنزد نفس تست وفرستادیم ترا برای مردمان پیغامبری وبس است خدا حاضر و گواه (۷۹) .

مَنْ يُّطِعِ الرَّسُوْلَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَۚ وَمَنْ تَوَلّٰى فَمَآ اَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا ﴿٨٠﴾

هرکه فرمانبرداری کند پیغامبر را پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد وهر که اعراض کرد پس نفرستادیم ترا برایشان نگهبان[۱] (۸۰) .

---

(۱) یعنی این کلمه حق است که خیرازجانب خدا است وشراز جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست وآن اینست که جهاد باجمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بس نعمتی غیر مترقب است واگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیراست وچون جهاد بامرالهی همه خیراست عقل را درآنجادخل دادن صحیح نه باشد والله اعلم .

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾

ومی گویند دردل ما فرمانبرداریست پس چون بیرون روندازنزد تو گروهی از ایشان بوقت شب رای زنند غیرآنچه تومی فرمائی وخدامی نویسد یعنی درنامۂ اعمال آنچه شب می گویند پس اعراض کن ازایشان وتوکل نمابر خدا وخدا کارسازنده بس است (٨١) .

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾

آیاتأمل نمی کنند قرآن را و اگرمی‌بود ازنزد غیر خدا البته می‌یافتند دراواختلاف بسیار (٨٢) .

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾

ووقتیکه بیاید نزد ایشان خبری ازایمنی یاترس مشهور سازندآن را واگر برمیگردانیدند آن رابسوی پیغامبر و بسوی فرمان روایان ازاهل اسلام هر آئینه می‌یافتند مصلحتِ آن خبرراآنانکه ازایشان میتوانند بر آوردن مصلحت آن واگر نمی‌بود بخشائش خدابرشما ورحمت اوالبته پیروی می کردیدشما شیطان را مگر اندکی (٨٣) .

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾

پس جنگ کن (یامحمد) درراه خدا برتومؤاخذه نیست مگرازجان توورغبت ده مسلمانان را[1] نزدیك است که موقوف سازدخدا جنگ کافران را وخدا سخت تراست باعتبار جنگ و سخت تراست باعتبار عقوبت (٨٤) .

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ

هرکه شفاعت کند شفاعتی نیك باشداورابهره ای ازثواب آن وهر که

(١) یعنی برتورغبت دادنست وبس اگر همراهی نکنند برتو مؤاخذه نیست والله اعلم.

شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَّكُنْ لَّهٗ كِفْلٌ مِّنْهَا ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ مُّقِيْتًا ﴿٨٥﴾

شفاعت کند شفاعتی بد باشداورا حصه ای از عذاب آن وهست خدا برهمه چیز توانا[١] (٨٥) .

وَاِذَا حُيِّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوْا بِاَحْسَنَ مِنْهَآ اَوْ رُدُّوْهَا ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ حَسِيْبًا ﴿٨٦﴾

وچون تعظیم کرده شویدبه سلامی پس تعظیم کنید بکلمه ای بهترازآن یا مانند همان کلمه جواب دهید هر آئینه هست خدابرهمه چیزحساب گیرنده (٨٦) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۗ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ۗ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيْثًا ﴿٨٧﴾

بجز خدانیست هیچ معبود برحقی البته بهم آرد شمارا به روزقیامت هیچ شك نیست درآن وکیست راست گوتر ازخدادرسخن[٢] (٨٧) .

فَمَا لَكُمْ فِى الْمُنٰفِقِيْنَ فِئَتَيْنِ وَاللّٰهُ اَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوْا ۗ اَتُرِيْدُوْنَ اَنْ تَهْدُوْا مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ۗ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ سَبِيْلًا ﴿٨٨﴾

پس چیست ای مسلمانان شمارادرباره تملق کنندگان دو گروه شدید[٣] وخدا نگونسارساخت ایشان رابشومی آنچه کردند آیا می خواهید که راه نمائید (یعنی ازجمله راه یابان شمارید) کسی راکه گمراه ساخت اورا خداوهرکرا خداگمراه کندنیابی برای اوهیچ را هی (٨٨) .

وَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ كَمَا كَفَرُوْا فَتَكُوْنُوْنَ سَوَآءً فَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ اَوْلِيَآءَ حَتّٰى يُهَاجِرُوْا فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۗ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوْهُمْ وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُّمُوْهُمْ ۖ وَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿٨٩﴾

این تملق کنندگان آرزو کردند که شما نیز کافرشوید چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس دوست مگیریدهیچکس را ازیشان تاآنکه هجرت کنند در راه

---

(١) یعنی مثلاً سفارش گدای به تَوانگرتا اورا جیزی بدهدنیك است وسفارش برای سارق تادست اونه بُرند درست نیست .

(٢) مترجم گویدخدای تعالی بیان می فرماید که به تملقِ کفار اعتمادنبایدکرد .

(٣) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند ومی بایست که همه باتفاق فریفته نمی شدند والله اعلم .

خدا[۱] پس اگر اعراض کردند (یعنی ازاسلام و هجرت) پس اسیر گیرید ایشان را وبکشید هرجا که یابید ایشان را ودوست ویار مگیرید کسی رااز ایشان (۸۹) .

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ
أَوْ جَآءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا
قَوْمَهُمْ ۚ وَلَوْ شَآءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ ۚ فَإِنِ
اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا
جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿٩٠﴾

(اسیر گیریدوبکشید) مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما ومیان ایشان عهد است یابیایند نزد شما حالانکه تنگ آمده است سینه های ایشان ازآنکه بجنگند باشمایا بجنگند باقوم خویش[۲] واگرخدامی‌خواست هر آئینه مسلط می‌ساخت ایشان را برشماپس می‌جنگیدند باشما پس اگراین فریق یکسوشوند ازجانب شماو نجنگندباشماو بیفگنند بسوی شماپیغام صلح را پس خداوند برضدایشان را هی دراختیار شما نگذاشته است[۳] (۹۰) .

سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا
قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوٓا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا ۚ فَإِن
لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوٓا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوٓا

خواهید یافت قومی را که می خواهند ایمن شوندازشما وایمن شوندازقوم خود هرگاه باز گردانیده می شوند بسوی فتنه انگیزی نگونسارانداخته شونددرآن[٤] پس اگر یکسونه شوندازجنگ

---

(۱) یعنی مسلمان شوند وهجرت کنند .

(۲) مترجم گوید و کسی که ایمان آردوهجرت نه کندحکم اوبطریق اولی فهمیده شد والله اعلم .

(۳) یعنی اگراسلام آرندوهجرت کنندایشان را دوست باید گرفت واگر اسلام نیارندمی باید کشت مگرآنکه پیمان داشته باشند وثابتانرا برعهدوحلفای معاهدان رابه هیچ وجه نتوان ایذاداد والله اعلم .

(٤) صلح می کنندوبازنقض عهد می‌نمایند والله اعلم .

أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ
وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٩١﴾

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً
فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ
وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ
تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾

شماونیفگنند بسوی شما پیغام صلح را وبازندارند دستهای خویش را پس اسیر گیریدایشان را وبکشید هرجاکه یابید ایشان را واین جماعت داده ایم شمارا برایشان حجت ظاهر (٩١) .

ونه[١] سِزَدمسلمانی را که بکشد مسلمانی را لیکن قتل واقع میشود بخطأ (یعنی بغیر قصد) وهرکه بکُشد مسلمانی رابخطأ پس لازم است آزادکردن برده مسلمان و خون بهارسانیده شده به کسان مقتول مگرآنکه درگذرندازآن پس اگر باشدمقتول ازگروه دشمنانِ شما واومسلمانست پس لازم است آزادکردن بردهٔ مسلمان[٢] واگر باشدمقتول ازقومی که میان شماوایشان عهداست[٣] پس لازم است خون بهارسانیده شده بکسان اووآزاد کردن بردهٔ مسلمان پس هرکه نیابدبرده را پس لازم است روزه داشتن دوماه پی درپی مشروع در کفارّت بجهت قبول توبه است ازجانب خداوهست خدادانای استوارکار[٤] (٩٢) .

(١) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطأبیان می فرماید وآنکه امتناع ازکسیکه به کلمهٔ اسلام متکلم شدواجب است وفضل مجاهدان ووجوب هجرت ازدار کفر بداراسلام و کیفیت نماز سفرونمازخوف بیان می کُند والله اعلم .
(٢) یعنی مقتول مسلمان اگر ازساکنان دارالحرب باشد دیت لازم نیست والله اعلم.
(٣) یعنی واو مومن باشد .
(٤) جمهورمفسرین تصور (وان کان من قوم بینکم وبینهم میثاق) درمقتول کافرکردندبه ملاحظه آنکه توارث درمیان مومن وکافر منقطع است وسبیل دیت =

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهٗ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَلَعَنَهٗ وَاَعَدَّ لَهٗ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾

وهرکه بِکُشَد مسلمانی را بقصد پس جزای او دوزخ است جاویدباشدآنجا وخشم گرفته است براوخداو لعنت کرداورا وآماده ساخته است برای اوعذابی بزرگ (۹۳) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوْۤا اِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوْا
وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ اَلْقٰۤى اِلَيْكُمُ السَّلٰمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُوْنَ عَرَضَ
الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلُ
فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوْا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

ای مسلمانان چون سفر کنید درراه خدا(یعنی برای جهاد) پس نیك تحقیق کنید ومگوئید کسی را که بسوی شماسلام انداخته است نیستی مسلمان می طلبید متاع زندگانی دنیا را پس نزد خداغنیمت های بسیاراست هم چنین بودید پیش ازین پس انعام کردخدا برشماپس تحقیق کنید هر آئینه خداهست بآنچه کنیدآگاه (۹٤) .

لَا يَسْتَوِي الْقٰعِدُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ اُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجٰهِدُوْنَ
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِينَ
بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقٰعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَّعَدَ اللّٰهُ
الْحُسْنٰى وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِينَ عَلَى الْقٰعِدِينَ اَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾

برابرنیستند نشینندگان غیر معذور ازمسلمانان وجهاد کنندگان درراه خدای تعالی به مالهای خویش وجانهای خویش برتری داده است خدامجاهدان را به مال و جان خویش برنشینندگان درمرتبه وهریکی را وعدهٔ نیك کرده است خدا وافزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان مزدبزرگ[1] (۹۵) .

= سبیل میراث است و بندهٔ ضعیف می گوید تمهید مسئله به (وما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناالاخطأ) وتقید به «وهومؤمن» درنظیر مانحن فیه ظاهر است درآنکه اینجاقیدایمان معتبر است ولزوم دیت بجهت وفابعهدست نه برسبیل میراث ونظیرش وجوب مهرست درمسئله مؤمنه ازقوم متعاهدین درسوره ممتحنه الله اعلم .

(۱) فائده قید غیراولی الضررآنست که دراولی الضرراین حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند ازاولی الضرر که نیت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابندوالله اعلم .

دَرَجٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَّرَحْمَةً ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٩٦﴾

افزون داده است مرتبه هاازجانب خويش وآمرزش وبخشايش وهست خداآمرزندۂ مهربان (٩٦) .

إِنَّ الَّذِيْنَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِيْٓ أَنْفُسِهِمْ قَالُوْا فِيْمَ كُنْتُمْ ۖ قَالُوْا كُنَّا مُسْتَضْعَفِيْنَ فِي الْأَرْضِ ۚ قَالُوْٓا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوْا فِيْهَا ۚ فَأُولٰٓئِكَ مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَسَآءَتْ مَصِيْرًا ﴿٩٧﴾

هر آئينه آنانكه فرشتگان قبض ارواح ايشان كردند درحالتيكه ستمگار بودند برخويشتن[(١)] فرشتگان بايشان گفتند درچه حال بوديد شما گفتند بوديم بيچاره گان درزمين گفتند آيافراخ نبود زمين خدا تاهجرت مى كرديد درآن پس آن جماعت جاى ايشان دوزخ است واوبدجائى است (٩٧) .

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ حِيْلَةً وَّلَا يَهْتَدُوْنَ سَبِيْلًا ﴿٩٨﴾

مگرآنانكه بحقيقت بيچاره اند ازمردان و زنان وكودكان هيچ چاره نمى توانند وهيچ راه نمى يابند (٩٨) .

فَأُولٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَّعْفُوَ عَنْهُمْ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُوْرًا ﴿٩٩﴾

پس آن جماعت نزديك است كه خدا عفو كند ازايشان وهست خداعفوكنندۂ آمرزنده (٩٩) .

وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرٰغَمًا كَثِيْرًا وَّسَعَةً ۚ وَمَنْ يَّخْرُجْ مِنْۢ بَيْتِهٖ مُهَاجِرًا إِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٠٠﴾

وهركه ترك وطن كند درراه خدا بيابددرزمين اقامت گاه بسيارو فراخى معيشت وهركه بيرون رودازخانۂ خود هجرت كنان بسوى خداو پيغامبراو وسپس دريابد اورا موت[(٢)] پس به تحقيق ثابت شد مزداوبرخدا وهست خدا آمرزندۂ مهربان (١٠٠) .

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ

وچون سفركنيد درزمين پس نيست برشما

(١) يعنى بترك هجرت از دارالحرب بدارالسلام وبه تكثير سوادكفاروالله اعلم .

(٢) يعنى درراه قبل وصول بمقصد .

تَقْصُرُوْا مِنَ الصَّلٰوةِ ۖ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَّفْتِنَكُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۚ إِنَّ الْكٰفِرِيْنَ كَانُوْا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِيْنًا ﴿١٠١﴾

گناهی درآنکه قصر کنید قدری ازنماز اگر بترسید ازآنکه دربلاافگند شمارا کافران هر آئینه کافران هستند شمارادشمن آشکار[1] (١٠١) .

وَإِذَا كُنْتَ فِيْهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوْا أَسْلِحَتَهُمْ ۚ فَإِذَا سَجَدُوْا فَلْيَكُوْنُوْا مِنْ وَّرَآئِكُمْ ۖ وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوْا فَلْيُصَلُّوْا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوْا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَدَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ تَغْفُلُوْنَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيْلُوْنَ عَلَيْكُمْ مَّيْلَةً وَّاحِدَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّنْ مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضٰى أَنْ تَضَعُوْا أَسْلِحَتَكُمْ ۚ وَخُذُوْا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿١٠٢﴾

وچون باشی درمیان مؤمنان[2] پس برپاکردی برای ایشان نمازرا پس باید بایستد گروهی ازایشان باتو وبایدکه برگیرند سلاح خویش را پس چون سجده کردند آنان پس بایدکه باشندپشت سرشما[3] وبایدکه بیاید آن گروه دیگرکه هنوز نمازنخوانده اند پس نماز گذارندباتو وبایدکه بگیرند حذر[4] وسلاح خودرا آرزوکردندکافران کاش غافل شوید ازسلاح خویش و متاع خویش پس حمله کنند برشما یك باره و هیچ گناه نیست برشما اگر باشد شمارا رنجی ازباران یا بیمارباشید درآن که بنهید سلاح خویش را والبته بگیریدحذرخودرا هر آئینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب رسواکننده[5] (١٠٢) .

---

(١) مترجم گوید مشهور آن ست که این آیت درصلوٰة مسافرنازل شده است وخوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیك این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت درصلوٰة خوف نازل شده است وسفرقیداتفاقیست و مراد از قصردرکیفیت رکوع وسجود است که بایمای اداميتوان کرد نه درکمیت رکعات والله اعلم .

(٢) یعنی وقت خوف .

(٣) یعنی مقابل عدو .

(٤) وحذرخوذوزره وسپررا گویند .

(٥) مترجم گوید این راصورتهااست یکی آنکه امام دوبارنماز گذاردیك بار =

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلٰوةَ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُوْدًا
وَّعَلٰى جُنُوْبِكُمْ ۚ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ ۚ إِنَّ
الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتٰبًا مَّوْقُوْتًا ﴿١٠٣﴾

پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنیدخدارا ایستاده ونشسته وبرپهلوهای خویش پس چون مطمئن شدید برپا کنیدنمازرا[۱] هر آئینه هست نمازبرمومنان فرض وقت معین کرده شده(۱۰۳) .

وَلَا تَهِنُوْا فِي ابْتِغَآءِ الْقَوْمِ ۚ إِنْ تَكُوْنُوْا تَأْلَمُوْنَ
فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُوْنَ كَمَا تَأْلَمُوْنَ ۚ وَتَرْجُوْنَ مِنَ اللّٰهِ مَا
لَا يَرْجُوْنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١٠٤﴾

وسستی مکنید درجستجوی کفارا گر شمادردمند می شوید پس ایشان نیزدردمند می شوند چنانکه شما می‌شوید و شماامید داریداز خدا آنچه ایشان را امید نیست وهست خدادانای استوارکار (۱۰۴) .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرٰىكَ
اللّٰهُ ۚ وَلَا تَكُنْ لِّلْخَآئِنِيْنَ خَصِيْمًا ﴿١٠٥﴾

هر آئینه[۲] مافرود آوردیم بسوی توکتاب را براستی تاحکم کنی میان مردمان بآنچه شناسانده است تراخداومباش خصومت کننده برای حمایت خیانت کنندگان (۱۰۵) .

= باینجماعت ودیگربار بآن جماعت دیگر آنکه امام بایك جماعت یك رکعت گذاردودرقیام توقف کندتاآنکه رکعت دیگرخوانده مقابل عدوروند آنجماعت دیگرآمده اقتدا به امام کنندو رکعت دیگر بآنجماعت خواند درقعده چندان توقف کندکه ازرکعت دوم فارغ شوند آنگه بایشان سلام دهداین هردوباصورتهای دیگرهمه صحیح شده وهمه محتمل آنست والله اعلم.

(۱) یعنی بطریق نمازامن والله اعلم .

(۲) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی راازایشان مرتکب گناهی می‌شد دور وی حیله ها بافته پیش آنحضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت اوبخاطرمبارك می‌رسید وبایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف درمیان می‌آوردند خدای تعالی آیات فرستاد .

وَّاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۖ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٠٦﴾

وآمرزش خواه ازخدا هر آئینه هست خدا
آمرزندهٔ مهربان (١٠٦) .

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِيْنَ يَخْتَانُوْنَ أَنْفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ
لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيْمًا ﴿١٠٧﴾

وخصومت مکن ازجانب آنانکه خیانت
می کنند خویشتن را هر آئینه خدا دوست
نداردآنرا که باشدخیانت کنندهٔ گنهگار
(١٠٧) .

يَّسْتَخْفُوْنَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُوْنَ مِنَ اللّٰهِ
وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُوْنَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ ۚ وَكَانَ
اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطًا ﴿١٠٨﴾

پنهان می کنند ازمردمان و پنهان نمی
کنند ازخدا واوبایشان ست آنگاه که به
شب مشورت میکنندآنچه خدانمی
پسنددازتدبیر وهست خداآنچه میکنننددر
بر گیرنده (١٠٨) .

هٰٓأَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۫ فَمَنْ
يُّجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَمْ مَّنْ يَّكُوْنُ عَلَيْهِمْ
وَكِيْلًا ﴿١٠٩﴾

آ گاه باشید شمااى قوم که خصومت
کردید ازطرف خیانت کنند گان درزندگانی
دنیا پس کیستکه خصومت کندباخدا
ازطرف ایشان روزقیامت یاکیست که
باشدبرایشان کارسازنده (١٠٩) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ سُوْٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهٗ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ
اللّٰهَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١١٠﴾

وهرکه انجام دهد کاربدیاستم
کندبرخویش بازآمرزش طلبدازخدا بیابد
خدارا آمرزندهٔ مهربان (١١٠) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهٗ عَلٰى نَفْسِهٖ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ
عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١١١﴾

وهرکه بکند گناهی پس جزاین نیست که
می کندآن رابرجان خویش وهست خدا
دانای استوارکار (١١١) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ خَطِيْٓئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهٖ بَرِيْٓئًا فَقَدِ احْتَمَلَ
بُهْتَانًا وَّإِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿١١٢﴾

وهرکه بکند خطائی یا گناهی بازتهمت
زندبآن بیگناهی را پس برخود برداشت
افتراو گناه ظاهررا (١١٢) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهٗ لَهَمَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ
أَنْ يُّضِلُّوْكَ ۖ وَمَا يُضِلُّوْنَ إِلَّآ أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّوْنَكَ مِنْ
شَيْءٍ ۚ وَأَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

وا گرنمی‌بود فضل خدابرتو وبخشائش او
قصدکرده بودند گروهی ازایشان که گمراه
کنندترا و گمراه نمی کنند مگرخویشتن

مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٣﴾

را وهیچ ضرری نرسانند به توازچیزی ونازل ساخت خدا برتوکتاب و دانش و آموخت ترا آنچه نمی دانستی وهست فضل خدا برتوبزرگ (١١٣) .

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾

نیست خوبی دربسیاری ازمشورت پنهانی ایشان لیکن خوبی درمشورت کسی است که می‌فرماید بصدقه یابکار پسندیده یا به صلاح کاری میان مردمان وهرکه این کند به طلب خوشنودی خدا پس بزودی بدهیمش مزدبزرگ (١١٤) .

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾

وهرکه مخالفت پیغامبرکند بعد ازآنکه معلوم شداوراهدایت وپیروی کندغیر راه مسلمانان را متوجه بکنیمش بآنچه میگردد[1] ودرآریمش بدوزخ واوبدجائی ست (١١٥) .

إِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾

هر[2] آئینه خدا نمی آمرزدآنکه شریك باومقررکرده شود و می آمرزد غیرشرك هرکراخواهد وهرکه شریك خدا مقررکند پس گمراه شد گمراهی دور (١١٦) .

إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ﴿١١٧﴾

مشرکان نمی پرستند بجز خدامگربتانی راکه بنام دختران مسمی کرده اند ونمی پرستند مگرشیطان دوررفته ازحدرا (١١٧) .

لَعَنَهُ اللّٰهُ ۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ﴿١١٨﴾

لعنت کرداوراخداو گفت شیطان بگیرم ازبندگان توحصه ای که در علم ازلی معین شده (١١٨) .

وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ

والبته گمراه کنم ایشان را و البته درآرزوی

---

(١) مترجم گوید یعنی قوت دل بیفزائم .

(٢) مترجم گوید ازینجا تغلیظ تحریم شرك می فرماید .

الْاَنْعَامِ وَلَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ ۚ وَمَنْ يَّتَّخِذِ
الشَّيْطٰنَ وَلِيًّا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِيْنًا ﴿١١٩﴾

باطل افگنم ایشان را والبته بفرمایم ایشان را تابشگافند گوش چهارپایان راوالبته بفرمایم ایشان راتاتغیردهندآفرینش خدارا[١] وهرکه دوست گیردشیطان را بجزخدا پس زیان کارشد زیان ظاهر (١١٩) .

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيْهِمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ﴿١٢٠﴾

وعده می دهدایشان راودرآرزوی می اندازد ایشانراو وعده نمی دهدایشان راشیطان الابفریب (١٢٠) .

اُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۡ وَلَا يَجِدُوْنَ عَنْهَا مَحِيْصًا ﴿١٢١﴾

آن جماعت جای ایشان دوزخ است و نیابند ازآن راه نجاتی (١٢١) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ
تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۗ وَعْدَ اللّٰهِ
حَقًّا ۗ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيْلًا ﴿١٢٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند درآریم ایشان را به بوستانهائی که می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه وعده کرده است خدابراستی وکیست راست‌گوترازخدادرسخن (١٢٢) .

لَيْسَ بِاَمَانِيِّكُمْ وَلَآ اَمَانِيِّ اَهْلِ الْكِتٰبِ ۗ مَنْ يَّعْمَلْ
سُوْٓءًا يُّجْزَ بِهٖ ۙ وَلَا يَجِدْ لَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيًّا
وَّلَا نَصِيْرًا ﴿١٢٣﴾

نیست کاربوفق آرزوی شما ونه بوفق آرزوی اهل کتاب هرکه بکندکاربد جزاداده خواهدشدبه آن ونیابدبرای خود بجز خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده (١٢٣) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ مِنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُوْنَ نَقِيْرًا ﴿١٢٤﴾

وهرکه بکندازکارهای شایسته مرد باشد یا زن واومسلمان است پس آن جماعت درآینـد بـه بهشـت وستـم کـرده نـه شوندمقدارنقیری (١٢٤) .

وَمَنْ اَحْسَنُ دِيْنًا مِّمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

وکیست نیکوتر باعتباردین ازکسی که

---

(١) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بربدن تاسرخ یاکبود گردانند والله اعلم .

وَّاتَّبَعَ مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيْفًا ؕ وَاتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرٰهِيْمَ خَلِيْلًا ﴿١٢٥﴾

منقاد ساخت روی خودرا برای خداو اونیکوکاراست وپیروی کردملت ابراهیم رادرحالتی که حنیف بود وخدا دوست گرفت ابراهیم را (١٢٥) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيْطًا ﴿١٢٦﴾

وخداراست آنچه درآسمان هاست و آنچه درزمین ست وهست خدا بهمه چیزدر برگیرنده (١٢٦) .

وَيَسْتَفْتُوْنَكَ فِي النِّسَآءِ ؕ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيْكُمْ فِيْهِنَّ ۙ وَمَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ فِيْ يَتٰمَى النِّسَآءِ الّٰتِيْ لَا تُؤْتُوْنَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُوْنَ اَنْ تَنْكِحُوْهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الْوِلْدَانِ ۙ وَاَنْ تَقُوْمُوْا لِلْيَتٰمٰى بِالْقِسْطِ ؕ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِهٖ عَلِيْمًا ﴿١٢٧﴾

وطلب فتوی می کنندازتودرباره زنان[(١)] بگو خدافتوىٰ میدهدشمارادرباره زنان وآنچه خوانده می شودبرشمادرکتاب نازل شده است درحق آن زنان یتیمه که نمی دهیدایشان راآنچه فرض کرده شده است برای ایشان ورغبت می کنیدکه به نکاح درآر یدایشانرا[(٢)] ونازل شده است درباره بیچاره گان ازکودکان وحکم ست بآنکه تعهدحال یتیمان کنیدبانصاف وهرآنچه می کنیدازنیکوئی هست خداآن دانا[(٣)] (١٢٧) .

وَاِنِ امْرَاَةٌ خَافَتْ مِنْۢ بَعْلِهَا نُشُوْزًا اَوْ اِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَاۤ اَنْ يُّصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا ؕ وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ؕ

اگرزنی بترسد ازشوهرش سرکشی یا روگردانی راپس گناه نیست برایشان درآنکه صلح آرنددرمیان خویش نوعی ازصلح

---

(١) یعنی چه نوع بایشان معامله بایدکرد والله اعلم .

(٢) درنکاح زنان یتیمه رغبت می کردند بسبب براعت جمال وحداثت سن درادای نفقه ومهر کوتاهی می نمودند والله اعلم .

(٣) جواب این استفتاء تفصیلی داشت پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرمودبر آیات سابقه وآن مسئله تحریم ظلم بر یتامی النساء است وبعضی را اینجاجواب داد وآن مسئله نشوزوتحریم میل کلّی ببیك زن و اعراض اززن دیگر واباحه طلاق درصورت ضرورت والله اعلم .

وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ ۚ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ
كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

وصلح كارى بهتراست، وحاضركرده شده اند نفوس نزديك بخل[١] واگر نيكوكارى وپرهيز گارى كنيدپس هر آئينه خدا هست بآنچه مى‌كنيددانا (١٢٨) .

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ
فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ۚ وَإِنْ تُصْلِحُوا
وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾

ونه توانيد هرگز عدل كردن ميان زنان اگرچه نهايت رغبت كنيد پس بارى كجى مكنيد تمام كجى تاآنكه بگذاريد آن زنان را مانند معلقه[٢] واگر اصلاح كنيد وپرهيزگارى نمائيد پس هر آئينه خداهست آمرزندۀ مهربان (١٢٩) .

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ ۚ وَكَانَ
اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾

و اگر مردوزن ازيكديگرجداشوندكفايت كندخداى تعالى هريكى راازتوانگرى خودهست خداجواد استواركار (١٣٠) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَإِنْ تَكْفُرُوا
فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ
غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣١﴾

وخداى راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين ست وهرآئينه حكم فرموديم آنانراكه داده شدند كتاب پيش ازشما وشمارانيزكه بترسيد ازخدا و اگر كافر شويد پس هرآئينه خداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين است وهست خدا توانگر ستوده شده (١٣١) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾

وخداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين است وخدا كارسازبس است (١٣٢) .

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۚ وَكَانَ
اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾

اگر خواهد دوركندشمارا اى مردمان وبوجود آرد ديگران را وهست خدا براين كار توانا (١٣٣) .

---

(١) يعنى ازبخل غائب نمى شوند وآن رانمى گذارند والله اعلم .
(٢) مترجم گويد معلقه زنيست كه نه بيوه باشدونه باو شوهر موافقت كند .

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ﴿١٣٤﴾

هرکه باشدطالب جزای دنیا (یعنی جزای عمل دردنیا طلب کند)پس نزد خدااست ثواب دنیاو آخرت وخدا شنواوبیناست(۱) (۱۳٤) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلّٰهِ
وَلَوْ عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ اَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ ۚ اِنْ يَّكُنْ غَنِيًّا
اَوْ فَقِيْرًا فَاللّٰهُ اَوْلٰى بِهِمَا ۫ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰٓى اَنْ تَعْدِلُوْا ۚ
وَاِنْ تَلْوٗٓا اَوْ تُعْرِضُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿١٣٥﴾

ای مسلمانان باشید برپادارندهٔ عدالت اظهارحق کننده برای خدا واگرچه برضررخویشتن یاپدرومادر وخویشاوندان باشد اگرآنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یافقیر بهرحال خدا مهربان تراست برایشان پس پیروی خواهش نفس مکنید اعراض کنان ازعدل واگر بپیچانید سخن را یارو گردانید پس هرآئینه خداهست بآنچه می کنیدآگاه (۱۳۵) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْ نَزَّلَ
عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ؕ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِاللّٰهِ
وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًاۢ
بَعِيْدًا ﴿١٣٦﴾

ای مسلمانان ایمان آریدبخدا وپیغامبراو وآن کتاب که فروفرستاده است برپیغامبرخود وآن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین وهرکه کافر شودبخدا وبه فرشتگان او وکتاب های اووپیغامبران او وروزآخرت پس هرآئینه گمراه شد گمراهی دور(۲) (۱۳٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ ازْدَادُوْا
كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيْلًا ﴿١٣٧﴾

بیگمان آنانکه ایمان آوردند بازکافرشدند بازایمان آوردند بازکافرشدند بازززیادت کردنددرکفر(۳) هرگزنیامرزد خدای تعالی ایشان را وهرگزننماید ایشان را

---

(۱) یعنی پس چرا طالب هر دونباشید والله اعلم .

(۲) مترجم گوید مرادآنست که هرکه درملت اسلامیه داخل شداورابه تفصیل تصدیق این چیزها بایدکرد .

(۳) یعنی اصرار کردند والله اعلم .

راهی (١٣٧) .

بَشِّرِ الْمُنٰفِقِيْنَ بِاَنَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۙ ﴿١٣٨﴾

خبر[١] ده منافقان را بآنکه ایشان را باشدعذاب درد دهنده (١٣٨) .

الَّذِيْنَ يَتَّخِذُوْنَ الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ؕ
اَيَبْتَغُوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَاِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ؕ ﴿١٣٩﴾

آن منافقان که کافران را دوست میگیرند بجز مؤمنان آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند پس هرآئینه ارجمندی خداراست همه یکجا (١٣٩) .

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى الْكِتٰبِ اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ
بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِىْ
حَدِيْثٍ غَيْرِهٖٓ ۖ اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ
الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْكٰفِرِيْنَ فِىْ جَهَنَّمَ جَمِيْعًا ۙ ﴿١٤٠﴾

وهرآئینه فروفرستاده است خدابرشما درقرآن که چون بشنویدآیاتهای خدارا که به آنهاکفر ورزیده میشود وتمسخرکرده میشودبآنهاپس منشینید باایشان تاآنکه شروع کنند درسخنی غیراز آن هرآئینه شما اگرچنین نکنید مانندآن کافران باشیدهرآئینه خدابهم آرنده است منافقان وکافران را همه یك جادردوزخ (١٤٠) .

الَّذِيْنَ يَتَرَبَّصُوْنَ بِكُمْ ۚ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللّٰهِ قَالُوْٓا
اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ ۖ وَاِنْ كَانَ لِلْكٰفِرِيْنَ نَصِيْبٌ ۙ قَالُوْٓا اَلَمْ
نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ؕ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ وَلَنْ يَّجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكٰفِرِيْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ سَبِيْلًا ﴿١٤١﴾

آن منافقان که انتظارشمامی کشند پس اگر باشدشمارا فتحی ازجانب خدا گویندآیانبودیم باشما[٢] واگر باشدکافران را نصیبی گویند یعنی بکافران آیاغالب نه شدیم برشما[٣] وآیا باز نه داشتیم شمارا ازضرر مسلمانان[٤] پس خداحکم خواهد کردمیان شما روزقیامت وهرگز

(١) مترجم گوید ازینجاوعید منافقان بیان می فرماید .

(٢) یعني اززمره شمایم والله اعلم .

(٣) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دانستیم که بامسلمانان بجنگیدونه گذاشتیم که بمصلحت دیگرعمل کنید والله اعلم .

(٤) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشمانه رسد والله اعلم .

نگشایدخدا مرکافران رابرمومنان راهی[1] (١٤١) .

إِنَّ الْمُنٰفِقِينَ يُخٰدِعُونَ اللّٰهَ وَهُوَ خٰدِعُهُمْ ۚ وَإِذَا قَامُوٓا
إِلَى الصَّلٰوةِ قَامُوا كُسَالٰى ۙ يُرَآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ
اللّٰهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾

هرآئینه منافقان فریب می‌دهند بگمان خود خدا را وخدانیزفریب می دهدایشانرا وچون منافقان بسوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند می نمایند به مردمان ویاد نمی‌کنندخدارا مگراندکی (١٤٢) .

مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذٰلِكَ ۖ لَآ إِلٰى هٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلٰى هٰٓؤُلَآءِ ۚ وَمَنْ
يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾

مترددااند درمیان این وآن نه بسوی اینانند ونه بسوی آنان وهرکرا گمراه کندخدا پس هرگز نیابی برای او هیچ راهی (١٤٣) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِنْ
دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلّٰهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا
مُبِينًا ﴿١٤٤﴾

ای مسلمانان دوست مگیرید کافران را بجزمومنان آیا می خواهید که ثابت کنیدبرای خدابرخویشتن دلیلی ظاهر (١٤٤) .

إِنَّ الْمُنٰفِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ ۚ وَلَنْ تَجِدَ
لَهُمْ نَصِيرًا ﴿١٤٥﴾

هرآئینه منافقان درطبقهٔ زیرترین اند ازآتش ونه یابی هرگزبرای ایشان هیچ یاری دهنده (١٤٥) .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللّٰهِ وَأَخْلَصُوا
دِينَهُمْ لِلّٰهِ فَأُولٰٓئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَسَوْفَ يُؤْتِ
اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾

مگرآنانکه توبه کردندواصلاح پیش گرفتند وچنگ زدند (بریسمان) خدا وخالص گردانیدند دین خودرا برای خدا پس آنجماعت همراه مومنانند وزود بدهدخدا مومنان را مزدبزرگ (١٤٦) .

مَا يَفْعَلُ اللّٰهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَاٰمَنْتُمْ ۚ وَكَانَ
اللّٰهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾

چه کندخدا بعذاب شمااگرشکرگذاری کنید وایمان آرید وهست خداقدرشناس دانا (١٤٧) .

---

(١) یعنی نشودکه اسلام رامستاصل گردانند والله اعلم .

لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوْٓءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظُلِمَ
وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا عَلِيْمًا ﴿۱۴۸﴾

دوست نمی داردخدا بلند گفتن سخن بدرا مگر سخت گفتن مظلوم که عفواست وهست خداشنوا دانا (١٤٨) .

اِنْ تُبْدُوْا خَيْرًا اَوْ تُخْفُوْهُ اَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوْٓءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ
عَفُوًّا قَدِيْرًا ﴿۱۴۹﴾

ا گرآشکاراکنیدکارنیك را یاپنهان کنیدآن را یا عفوکنیدازظلمی پس هرآئینه هست خداعفوکننده توانا (١٤٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّفَرِّقُوْا
بَيْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَّنَكْفُرُ بِبَعْضٍ
وَّيُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَّخِذُوْا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ﴿۱۵۰﴾

هرآئینه کسانی که کافرمی شوند بخدا وپیغامبران اوومی خواهند که تفرقه کنند درمیان خدا و پیغامبران او[1] می گویندایمان می آریم به بعض پیغامبران ونامعتقدمی شویم بعض راومیخواهندکه راهی گیرند درمیان این وآن (١٥٠) .

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ حَقًّا وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ
عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿۱۵۱﴾

آن جماعت ایشانندکافران به حقیقت وآماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده (١٥١) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَلَمْ يُفَرِّقُوْا بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ
اُولٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿۱۵۲﴾

وکسانیکه ایمان آوردندبخدا وپیغامبران او وتفرقه نه کردنددرمیان هیچ یکی ازایشان آنجماعت خواهدداددخداایشان را مزدایشان وهست خدا آمرزنده مهربان (١٥٢) .

يَسْـَٔلُكَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتٰبًا مِّنَ السَّمَآءِ
فَقَدْ سَاَلُوْا مُوْسٰٓى اَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقَالُوْٓا اَرِنَا اللّٰهَ جَهْرَةً
فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

در[2] خواست می کنندازتواهل کتاب که فرود آری برایشان کتابی ازآسمان یعنی یکدفعه پس سوال کرده بودند ازموسیٰ سخت تر ازین گفتندخدارا بنمابماآشکارا

(١) یعنی بخداایمان آرند وبه پیغامبران ایمان نیارند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّشبه یهودمیکند که قرآن چرایکدفعه مثل الواح موسیٰ نازل نه شدواین سخن ممتداست تایااهل الکتاب لاتغلوا .

مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ الۡبَيِّنٰتُ فَعَفَوۡنَا عَنۡ ذٰلِكَ ۚ وَاٰتَيۡنَا مُوۡسٰى سُلۡطٰنًا مُّبِيۡنًا ﴿١٥٣﴾

پس گرفت ایشان راصاعقه بسبب گناه ایشان بازمعبود گرفتند گوساله را بعدازآنکه آمدبایشان معجزه ها پس در گذشتیم ازین جریمه ودادیم موسی را غلبه ظاهر (١٥٣) .

وَرَفَعۡنَا فَوۡقَهُمُ الطُّوۡرَ بِمِيۡثَاقِهِمۡ وَقُلۡنَا لَهُمُ ادۡخُلُوا الۡبَابَ سُجَّدًا وَّقُلۡنَا لَهُمۡ لَا تَعۡدُوۡا فِى السَّبۡتِ وَاَخَذۡنَا مِنۡهُمۡ مِّيۡثَاقًا غَلِيۡظًا ﴿١٥٤﴾

وبرداشتیم بالای ایشان طوررا برای گرفتن عهدایشان و گفتیم ایشان رادرآئیدبه دروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را تجاوزمکنیددرروزشنبه و گرفتیم ازایشان عهدمحکم (١٥٤) .

فَبِمَا نَقۡضِهِمۡ مِّيۡثَاقَهُمۡ وَكُفۡرِهِمۡ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَقَتۡلِهِمُ الۡاَنۡۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقٍّ وَّقَوۡلِهِمۡ قُلُوۡبُنَا غُلۡفٌ ؕ بَلۡ طَبَعَ اللّٰهُ عَلَيۡهَا بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُوۡنَ اِلَّا قَلِيۡلًا ﴿١٥٥﴾

پس بسبب شکستنِ ایشان عهدخود را وبسبب کفرایشان بآیاتِ خداوکشتن ایشان انبیارا بناحق و گفتنِ ایشان که دلهای مادرپرده است نه بلکه مُهرنهاده است خدای‌تعالی بردل های ایشان بسبب کفرایشان پس ایمان نیارندمگراندکی (١٥٥) .

وَّبِكُفۡرِهِمۡ وَقَوۡلِهِمۡ عَلٰى مَرۡيَمَ بُهۡتَانًا عَظِيۡمًا ﴿١٥٦﴾

وبسبب کفرایشان و گفتن ایشان برمریم بهتانی بزرگ[1] (١٥٦) .

وَّقَوۡلِهِمۡ اِنَّا قَتَلۡنَا الۡمَسِيۡحَ عِيۡسَى ابۡنَ مَرۡيَمَ رَسُوۡلَ اللّٰهِ ۚ وَمَا قَتَلُوۡهُ وَمَا صَلَبُوۡهُ وَلٰكِنۡ شُبِّهَ لَهُمۡ ؕ وَاِنَّ الَّذِيۡنَ اخۡتَلَفُوۡا فِيۡهِ لَفِىۡ شَكٍّ مِّنۡهُ ؕ مَا لَهُمۡ بِهٖ مِنۡ عِلۡمٍ اِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوۡهُ يَقِيۡنًا ﴿١٥٧﴾

وبسبب گفتن ایشان هرآئینه ماکشتیم مسیح عیسیٰ پسرمریم راکه فی الواقع پیغامبر خدابود ونه کشته اند او را وبردار نه کرده اند اورا ولیکن مشتبه شدبرایشان وهرآئینه کسانیکه اختلاف کردند درباب عیسیٰ درشك اندازحال او ونیست ایشان

(١) يعنى قذف بزنا .

رابآن یقینی لیکن پیروی ظن میکنندوبه
یقین نه کشته انداورا (١٥٧) .

بَلْ رَّفَعَهُ اللّٰهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾

بلکه برداشت اوراخدای‌تعالیٰ بسوی خود
وهست خدا غالب استوارکار (١٥٨) .

وَإِنْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۚ
وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾

ونباشدهیچ کس ازاهل کتاب الّا البته
ایمان آورد بعیسی پیش ازمردن عیسیٰ[1]
وروزقیامت باشد عیسیٰ گواه برایشان
(١٥٩) .

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبٰتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ
وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾

پس به سبب ظلمیکه به ظهورآمدازیهود
حرام ساختیم برایشان چیزهای پاکیزه که
حلال بودندایشان را وبسبب بازداشتن
ایشان مردمان بسیارازراه خدا (١٦٠) .

وَأَخْذِهِمُ الرِّبٰوا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوٰلَ النَّاسِ
بِالْبٰطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾

و گرفتنِ ایشان سود را وحال آنکه منع
کرده شده اندازآن وخوردن ایشان اموالِ
مردمان را بناحق ومهیاکردیم برای
کافران ازایشان (یعنی مصرّان برکفر)
عذاب درد دهنده[2] (١٦١) .

لٰكِنِ الرّٰسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ
بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلٰوةَ

لیکن ثابت قدمان درعلم ازاهل کتاب
ومومنان ایمان می آرندبآنچه فروفرستاده
شده است بسوی تووآنچه فروفرستاده

---

(١) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضرشوند نزول عیسیٰ را البته ایمان آرند والله اعلم.

(٢) مترجم گویدا گرگوئی انکار عیسیٰ بعدنزول تورات کرده بودند وتحریم لحوم ابل وتحریم ذی ظفردر تورات مذکور بودپس چگونه جزای انکار عیسیٰ باشد گویم نزدیك این بنده ظاهر آنست مراد ازتحریم طیّبات موقوف داشتن نعمت هااست که سابقًا ایشانرا داده بودند ازپادشاهی ونبوت ونصرت و غیرآن واین مشابه آن آیتیست (ضربت علیهم الذلةوالمسکنه) الایه واین آیت (وحرام علی قریة اهلکناها) وحینئذٍ جمیع کلام باهم مربوط باشد والله اعلم .

وَالْمُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَالْمُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ اُولٰٓئِكَ
سَنُؤْتِيْهِمْ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١٦٢﴾

شده است پیش ازتوو(مدح می کنیم) برپادارندگانِ نمازراوهم چنین دهندگان زکٰوة را وایمان آرندگان بخدا و روزآخر این جماعت زود بدهیم ایشانرا مُزدبزرگ (١٦٢) .

اِنَّآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ كَمَآ اَوْحَيْنَآ اِلٰى نُوْحٍ وَّالنَّبِيّٖنَ مِنْۢ بَعْدِهٖ ۚ
وَاَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ
وَالْاَسْبَاطِ وَعِيْسٰى وَاَيُّوْبَ وَيُوْنُسَ وَهٰرُوْنَ وَسُلَيْمٰنَ ۚ
وَاٰتَيْنَا دَاوٗدَ زَبُوْرًا ﴿١٦٣﴾

هرآئینه ما وحی فرستادیم بسوی توچنانکه وحی فرستادیم بسوی نوح وپیغامبران پس ازوی وچنانکه وحی فرستادیم بسوی ابراهیم واسمعیل و اسحق و یعقوب ونبیرگان وعیسیٰ وایوب ویونس و هارون وسلیمان وچنانکه دادیم داوٗد رازبور (١٦٣) .

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنٰهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ
نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ ؕ وَكَلَّمَ اللّٰهُ مُوْسٰى تَكْلِيْمًا ﴿١٦٤﴾

وچنانکه فرستادیم پیغامبرانی که قصهٔ ایشان گفته ایم برتوپیش ازین وپیغامبرانی که قصهٔ ایشان نه گفته ایم به تو و گفت خداباموسیٰ سخن (١٦٤) .

رُسُلًا مُّبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ لِئَلَّا يَكُوْنَ لِلنَّاسِ عَلَى اللّٰهِ
حُجَّةٌۢ بَعْدَ الرُّسُلِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿١٦٥﴾

فرستادیم پیغامبرانِ مژده دهندگان وبیم کنندگان تانه باشد مردمان را برخدا الزام بعد فرستادن پیغامبران[1] وهست خداغالب استوارکار (١٦٥) .

لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ بِمَآ اَنْزَلَ اِلَيْكَ اَنْزَلَهٗ بِعِلْمِهٖ ۚ وَالْمَلٰٓئِكَةُ
يَشْهَدُوْنَ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿١٦٦﴾ ؕ

لیکن خدا گواهی میدهدبآنچه فروفرستاده است بسوی توکه فرو فرستاد آن رابه علم خودوفرشتگان نیز گواهی می دهند وبس است خدا گواه (١٦٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قَدْ
ضَلُّوْا ضَلٰلًۢا بَعِيْدًا ﴿١٦٧﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند وبازداشتند یعنی مردمان راازراه خدا به تحقیق گمراه

(١) یعنی تانه گویند که تقصیر مانیست هیچ پیغمبر نزدیك مانیامد والله اعلم .

شدند گمراهی دور (١٦٧) .

إِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَظَلَمُوْا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ
وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيْقًا ﴿١٦٨﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند وستم کردند هرگز نیامرزد ایشان را خدا ونه نمایدایشان راراهی (١٦٨) .

إِلَّا طَرِيْقَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ أَبَدًا ۚ وَكَانَ ذٰلِكَ
عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ﴿١٦٩﴾

مگرراه دوزخ جاویدان آنجا همیشه وهست این آسان برخدا (١٦٩) .

يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ الرَّسُوْلُ بِالْحَقِّ مِنْ رَّبِّكُمْ فَاٰمِنُوْا
خَيْرًا لَّكُمْ ۚ وَإِنْ تَكْفُرُوْا فَإِنَّ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ
وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١٧٠﴾

ای مردمان هرآئینه آمدبه شما پیغامبر براستی ازجانب پروردگار شما پس ایمان آریدتاایمان آوردن بهتر باشدبرای شماو اگر کافرشویدپس هرآئینه خدارا است آنچه درآسمانها وزمین است وهست خداداناواستوارکار (١٧٠) .

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغْلُوْا فِىْ دِيْنِكُمْ وَلَا تَقُوْلُوْا عَلَى اللّٰهِ
إِلَّا الْحَقَّ ۚ إِنَّمَا الْمَسِيْحُ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَكَلِمَتُهٗ ۚ
أَلْقٰهَآ إِلٰى مَرْيَمَ وَرُوْحٌ مِّنْهُ ۖ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ ۖ وَلَا
تَقُوْلُوْا ثَلٰثَةٌ ۚ إِنْتَهُوْا خَيْرًا لَّكُمْ ۚ إِنَّمَا اللّٰهُ إِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ
سُبْحٰنَهٗٓ أَنْ يَّكُوْنَ لَهٗ وَلَدٌ ۘ لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى
الْأَرْضِ ۚ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ﴿١٧١﴾

ای[1] اهل کتاب ازحدمگزرید دردین خود ومگوئیدبرخدا مگرسخنِ راست جزاین نیست که مسیح عیسیٰ پسرمریم پیغامبر خداست وکلمهٔ اوست انداخت آن را بسوی مریم وروحی است ازجانب خدا پس ایمان آریدبخداوپیغامبران او ومیگوئید خدایان سه اند بازآئید ازین قسمِ گفتار تااین باز ماندن بهتر باشد شمارا جزاین نیست که خدامعبود یگانه است پاکیست خداراازآن که باشداورا فرزندی مراو راست آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است وبس است خداکارسازنده (١٧١) .

لَنْ يَّسْتَنْكِفَ الْمَسِيْحُ أَنْ يَّكُوْنَ عَبْدًا لِّلّٰهِ وَلَا الْمَلٰٓئِكَةُ

هز گزننگ ندارد عیسیٰ ازآنکه باشد بندهٔ

---

(١) مترجم گوید ازینجاشروع می فرماید در ردّ شبه نصاریٰ والله اعلم .

الْمُقَرَّبُوْنَ ۚ وَمَنْ يَّسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهٖ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ اِلَيْهِ جَمِيْعًا ﴿۱۷۲﴾

خدا ونه فرشتگان مقرب ننگ دارند وهرکه ننگ کند ازبندگی او وسرکشی کند پس خواهد برانگیخت ایشانرا نزدیك خویش همه یکجا (۱۷۲) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ وَيَزِيْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۚ وَاَمَّا الَّذِيْنَ اسْتَنْكَفُوْا وَاسْتَكْبَرُوْا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۙ وَّلَا يَجِدُوْنَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿۱۷۳﴾

پس اماکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند پس تمام دهدایشان را مزدایشان و زیاده دهدایشان را ازفضل خود واماکسانی که ننگ داشتند وسرکشی کردند پس عذاب کندایشان راعذاب درد دهنده ونیابند برای خویش بجز خداهیچ دوستی ونه هیچ یاری دهنده ای (۱۷۳) .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَاۤ اِلَيْكُمْ نُوْرًا مُّبِيْنًا ﴿۱۷٤﴾

ای مردمان به تحقیق آمدنزدیك شما دلیلی ازپروردگار شما ونازل کردیم بسوی شما روشنی آشکارا (۱۷٤) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوْا بِهٖ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِيْ رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ ۙ وَّيَهْدِيْهِمْ اِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿۱۷۵﴾

اماکسانی که ایمان آوردند بخدا وچنگ زدندباو پس زود درآردایشان را دررحمت و فضل (ازنزدیك) خود وبه نماید ایشان را بسوی خودراه راست (۱۷۵) .

يَسْتَفْتُوْنَكَ ۗ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيْكُمْ فِي الْكَلٰلَةِ ۗ اِنِ امْرُؤٌا هَلَكَ لَيْسَ لَهٗ وَلَدٌ وَّلَهٗۤ اُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۚ وَهُوَ يَرِثُهَاۤ اِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهَا وَلَدٌ ۚ فَاِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثٰنِ مِمَّا تَرَكَ ۗ وَاِنْ كَانُوْۤا اِخْوَةً رِّجَالًا وَّنِسَآءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنْثَيَيْنِ ۗ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اَنْ تَضِلُّوْا ۗ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۱۷٦﴾

طلب فتوىٰ میکنند ازتو بگوخدای تعالی فتوىٰ میدهد شمارا درباب میراث کسیکه والد وولدندارد ا گر مردی بمیردکه فرزندش نیست (یعنی ونه والد) واوراخواهری باشد[1] پس خواهرش راست نیمه آنچه گذاشته است و ا گر این خواهر مُردی آن برادروارثِ اوشدی

(۱) مترجم گویدیعنی اعیانی وا گر نباشدعلاتی قائم مقام اعیانی بود .

ا گرنباشد آنرافرزندی پس ا گرخواهران دوباشند پس ایشان را ست دوسوم حصه آنچه بگذاشته است وا گرایشان جماعت باشندمردان و زنان پس مردراست مانندِ حصه دوزن بیان می کندخدای برای شما تا گمراه نشوید وخدابهمه چیز داناست (١٧٦) .

سُورَةُ الْمَائِدَةِ

سوره مائده مدنی است وآن یکصد وبیست آیت وشانزده رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَوْفُوْا بِالْعُقُوْدِ ۗ اُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيْمَةُ
الْاَنْعَامِ اِلَّا مَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّى الصَّيْدِ وَاَنْتُمْ حُرُمٌ ۗ اِنَّ اللهَ
يَحْكُمُ مَا يُرِيْدُ ①

ای مومنان وفاکنید بعهد ها(یعنی عهدی که باخدابسته ایددرالتزام احکام اوتعالی) حلال کرده شده برای شما چهار پایان ازقسم اَنعام مگر آنچه خوانده شد برشما(۱) نه حلال دارندِه شکار درحالتی که محرم باشید هرآئینه خدا حکم میکند آنچه می خواهد (١) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُحِلُّوْا شَعَآئِرَ اللهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ
وَلَا الْهَدْىَ وَلَا الْقَلَآئِدَ وَلَآ آٰمِّيْنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُوْنَ
فَضْلًا مِّنْ رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۗ وَاِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوْا ۗ
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ
تَعْتَدُوْا ۘ وَتَعَاوَنُوْا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ۖ وَلَا تَعَاوَنُوْا عَلَى الْاِثْمِ

ای مسلمانان هتك حرمت مکنید نشانهای خدارا ونه ماه حرام را(۲) ونه قربانی را وآنچه درگردن اوقلاده می اندازند ونه قصد کنندگان بیت الحرام راکه می طلبند فضلی ازپروردگار خویش وخوشنودی ازوی(۳) وچون احرام کشادید پس شکار

(١) یعنی شتر و گاؤ و گوسفند واین سه قسم رااَنعام گویند حلال است مگرمیته، موقوذه وآنچه بیاید والله اعلم .

(٢) یعنی قتال دررجب وذیقعده وذی الحجه ومحرم نه بایدکرد والله اعلم .

(٣) یعنی تعرض حاجیان ومعتمران مسلمانان نبایدکرد ولقطهٔ ایشان نباید گرفت =